

حادثه‌ها

دستگیری قاتل ۴ عضو یک خانواده

● **مردی** که چهار عضو خانواده خاله‌اش را به قتل رسانده است، در کمتر از هشت ساعت دستگیر شد. سرهنگ «سرباز شفق»، فرمانده انتظامی بناب، در تشریح جزئیات این خبر گفت: در پی وقوع قتل اعضای یک خانواده چهارنفره در یکی از محلات شهرستان بناب، موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. وی با بیان اینکه مأموران با هماهنگی مقام قضائی به محل وقوع حادثه اعزام شدند، گفت: با توجه به اهمیت موضوع، شناسایی و دستگیری قاتل یا قاتلان در دستور کار کارآگاهان پلیس قرار گرفت. این مقام انتظامی گفت: با تحقیقات و اقدامات به‌موقع، سریع و هوشمندانه کارآگاهان پلیس، متهم که بعد از انجام قتل به شهرستان سقز در استان کردستان متواری شده بود، در کمتر از هشت ساعت با همکاری پلیس آگاهی این شهر دستگیر و برای سیر مراحل قانونی به پلیس آگاهی شهرستان بناب منتقل شد. سرهنگ شفق خاطرنشان کرد: با تحقیقات و بررسی‌های به‌عمل‌آمده و اعتراف قاتل مشخص شد، متهم به دلیل اختلاف خانوادگی وارد خانه خاله‌اش شده و اعضای این خانواده را با سلاح کرم به قتل رسانده است.

فرمانده انتظامی شهرستان بناب گفت: متهم پس از اعتراف به قتل، با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شد.

کلاهبرداری به بهانه استخدام

● **زنی** که تحت عنوان استخدام از ۱۲ نفر پنج میلیارد ریال کلاهبرداری کرده است، دستگیر شد. سرهنگ «سعید بالشن‌رز»، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه‌وبویراحمد، دراین‌باره گفت: در پی گزارش‌های دریافتی معلوم شد زنی ۳۵ ساله که کارمند شرکتی بود و خود را وابسته به یکی از مسئولان استان معرفی کرده بود، از ۱۲ نفر برای استخدام کلاهبرداری کرده است. بعد از اعلام این گزارش، رسیدگی به موضوع در دستور کار کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری قرار گرفت.

وی اظهار کرد: مأموران اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری با اقدامات فنی و پلیسی متهم را شناسایی کردند و با دعوت از مال‌باختگان پرونده‌ای در این خصوص تشکیل دادند.

رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه‌وبویراحمد خاطرنشان کرد: مأموران ضمن هماهنگی با مرجع قضائی و پس از تعقیب و مراقبت متهم را دستگیر کردند.

سرهنگ بالشن‌رز تصریح کرد: متهم در بازجویی‌های اولیه به مبلغ پنج میلیارد ریال کلاهبرداری از مال‌باختگان اعتراف و انکیزه خود از انجام این عمل ناانگیز را متنگلات مالی عنوان کرد. وی با توصیه به شهروندان درخصوص توجه به هشدارهای پلیس و عدم اطمینان به افراد ناشناس، بیان کرد: متهم دستگیرشده پس از تشکیل پرونده به مرجع قضائی معرفی شد.

انهدام باندزدان رایانه خودروهای وارداتی

● **شرق:** سه سارق رایانه خودروهای وارداتی و یک مالخر دستگیر شدند. سرهنگ محمداقرا قدم‌زاده، رئیس کلانتری ۱۰۲ پاسداران گفت: با تماس‌های تلفنی شهروندان، مأموران کلانتری در جریان وقوع چند فقره سرقت رایانه خودروهای کرای و وارداتی قرار گرفتند و کشت‌های پلیسی به صورت ویژه برای دستگیری سارقان افزایش یافت و مأموران در نهایت موفق شدند تصویر محو و نامشخصی از خودروی متهمان را که سمندی سفیدرنگ بود به دست بیاورند.

کلانتر محله پاسداران ادامه داد: گشت‌زنی‌های هدفمند آغاز شد تا اینکه مأموران کلانتری موفق شدند ساعت ۲ بامداد شنیه خودروی موندرنر را که دور میدان اختیاریه پارک شده و راننده آن روی صندلی خوابیده بود، شناسایی کنند. وی افزود: مأموران پس از بیدارکردن راننده آن، مشاهده کردند روی صندلی کنار راننده یک دستگاه رایانه خودرو و ابزارآلاتی وجود دارد که راننده خودرو با سردرگمی و شوکه‌شدن سعی داشت با داستان‌سرایي از دست پلیس فرار کند، اما مأموران قبل از هرگونه اقدامی وی را دستگیر کردند.

قدم‌زاده در ادامه گفت: متهم که یکی از سارقان سابقه‌دار است، با توجه به مدارک و شواهد پلیسی اعتراف کرد که همراه با دو نفر از دوستانش رایانه خودروهای وارداتی را سرقت می‌کرده و آنها را در منطقه شوش به مرد جوانی به قیمت یک میلیون تومان فروخته‌اند.

رئیس کلانتری ۱۰۲ پاسداران با اشاره به اینکه در تحقیقات پلیسی هر دو همدست سارق نیز دستگیر شدند، اظهار کرد: با دستور قضائی، مالخر رایانه‌های سرقتی نیز دستگیر شد و متهمان به سرقت ۱۵ فقره کامپیوتر خودروهای کرای و وارداتی، پنج رایانه سمنند و پژوپارس، سه باتری و دو وادیاور خودرو درمجموع به ۲۵ فقره سرقت اعتراف کردند.

قدم‌زاده گفت: ارزش اموال کشف‌شده از متهمان ۶۰ میلیون تومان گزارش شده است. متهمان در اختیار مراجع قضائی قرار گرفتند و تحقیقات تکمیلی برای شناسایی مال‌باختگان ادامه دارد.

شرق: پیرمردی که همسرش را کشت، چون اجازه نمی‌داد سر یخچال برود، از سوی تنها فرزندش با این شرط که دیگر سراغی از او نگیرد بخشیده شد. به گزارش خبرنگار ما، متهم یک سال قبل به دلیل درگیری‌های شدیدی که با همسرش داشت، او را با ضربات متعدد چاقو به قتل رساند. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد، تنها فرزند متهم و مقتول در جایگاه قرار گرفت و خواستار قصاص پدرش شد. قاضی متین‌راسخ به او گفت: اینکه برای پدرت درخواست قصاص داری ضربه روحی بسیار شدیدی برایت خواهد بود. این موضوع شرایط روحی‌ات را بدتر می‌کند، ضمن اینکه فرزندان به رفتاری که تو با پدرت داری

نگاه می‌کنند و همان را یاد می‌گیرند؛ بهتر است دراین‌باره بیشتر فکر کنی. مرد میان‌سال گفت: من تنها فرزند پدرومادرم بودم، بااین‌حال پدرم خیلی به من سخت می‌گرفت، هنوز سوزش سیلی‌هایی که به من می‌زد زیر گوشم است. مادرم را کتک می‌زد و بدرفتاری می‌کرد، با همه دعوا می‌کرد و وضعیت بدی را برای ما درست کرده بود. حتی خانه‌ای که حالا من در آن زندگی می‌کنم هم سهم مادرم بود. وقتی به نام من شد، پدرم ادعا کرد خانه را او به من داده است. هرگز در حق من پدری نکرد، خیلی من را اذیت می‌کرد و خیلی مادرم را آزار می‌داد. یک هفته قبل از حادثه می‌دانستم درگیری بین پدر و مادرم بالا گرفته است. گفتم بایدید خانه را بفروشم. دو واحد آپارتمان بخیرم، هرکدامتان در یک واحد زندگی کنید

در جریان دستگیری

بخشش مردی که همکارش را در رابطه پنهانی کشت



به قتل لیدا اعتراف کرد و گفت: من متاهل بودم با ایسن حال، با لیدا ارتباط برقرار کردم. ارتباط ما این‌طور آغاز شد که پدرم فوت کرد و من در تنگنای شدید مالی بودم. او به من پول قرض داد. به خاطر پول چندباری با هم در تماس بودیم و بعد از آن تماس‌مان بیشتر شد البته لیدا به من گفته بود از شوهرش جدا شده اما بعد فهمیدم به من دروغ گفته است. چند ماه بعد از این رابطه بود که متوجه شدم همه‌چیز را دروغ گفته است. برای اینکه بتوانم ارتباطم را با او قطع کنم، چهار میلیون تومان از پول را به او پس دادم و قرار شد یک میلیون تومان دیگر را هم وقتی حقوقم در دریافت کردم، بدهم. بعد به لیدا گفتم من دیگر به این رابطه ادامه نمی‌دهم، گفتم نمی‌دانستم که متاهل است. او گفت متاهل نیست و برای اینکه برایش مشکلی ایجاد نشود، در محل کار گفته متاهل است. از من خواست از نزدیک با هم صحبت و تکلیف

که تا این حد با هم درگیر نشود؛ هرچه گفتم، قبول نکرد. گفت مادرت بد است، گفتم هرچه تو می‌گویی درست است، بیا و کار را بدتر نکن، جدا شوید، اما در نهایت مادرم را با ضربات متعدد چاقو کشت. حالا من بطور از او بگذرم. این مرد درباره علت اختلاف پدر و مادرش گفت: پدرم دندان نداشت و نمی‌توانست ته‌دیگ، سیب و خوراکی‌های سفت بخورد و اگر می‌خورد دل‌درد می‌گرفت، مادرم می‌گفت ایسن کار را نکن مریض می‌شوی و دادوفریاد می‌کنی و همسایه‌ها می‌شنوند، اما او مادرم را متهم می‌کرد به اینکه به او خوراکی نمی‌دهد و فحاشی و درگیری راه می‌انداخت. وقتی قاضی متین‌راسخ با ولی‌دم بیشتر صحبت کرد و خواست متهم را به حرمت پدربودنش ببخشد، در

در جریان دستگیری

بخشش مردی که همکارش را در رابطه پنهانی کشت

آن یک میلیون تومان را هم مشخص کنیم. وقتی وارد خانه شدم، او از من خواست به این رابطه ادامه دهم، گفتم من متوجه شده‌ام متاهل است و وضعیت زندگی او هم نشان می‌دهد او متاهل است. دیگر ادامه نمی‌دهم ضمن اینکه همسر خودم هم ناراحت می‌شود. لیدا اصرار کرد پولش را بدهم. هر چه گفتم صبر کن سر ماه پول را می‌دهم، گفت اگر پولم را ندهی، آبرویت را می‌برم. سر این موضوع با هم درگیر شدیم و من از خود بیخود شدم و او را به قتل رساندم

پرونده بعد از گفته‌های این مرد و صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. زمانی که متهم پای میز محاکمه رفت، اولیای‌دم درخواست قصاص کردند و شوهر مقتول نیز درخواست مجازات متهم را کرد. سپس متهم دفاعیات خود را مطرح کرد اما دفاعیات کراساز نبود و او به قصاص محکوم و به خاطر رابطه نامشروع و ۲۴ ضربه شلاق محکوم شد. این رای در دیوان عالی کشور نیز تأیید شد تا اینکه مادر متهم با تلاش بسیار موفق به جلب رضایت اولیای‌دم شد.

روز گذشته جلسه رسیدگی به اتهام متهم به لحاظ جنبه عمومی جرم برگزار شد. در جلسه رسیدگی مادر متهم گفت: من همه دارایی‌ام را فروختم که بتوانم آنچه اولیای‌دم خواسته بودند را تأمین کنم حتی ظروف نامشروع را فروختم. درخواست دارم به سرم کمک کنید.

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت. او گفت: من اتهام را قبول دارم و از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم. کمک کنید بتوانم به مادرم و همسر که خیلی به من کمک کردند، خدمت و کارشان را جبران کنم. در پایان قضات وارد شور شدند و متهم را به پنج سال و ۱۰ ماه حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم کردند. به این ترتیب، متهم آزاد می‌شود.

حوادث

شرط فرزند برای بخشش مرد همسرکش

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری

در جریان دستگیری